

ناشناس

مقدمه‌ای بر ابجد

ترجمه zero-cool

dastopaa.net

ابجد مخفف مشتق شده از چهار حرف صامت اول الفبای عبری/عربی/فارسی است؛ الف، ب، جیم، دال. ابجد یک نظام الفبایی عددی ساده‌ساز اما پیچیده کاربرد است که پویایی‌ها و باورهای متفاوتی از فرهنگ‌های خاور نزدیک و خاور میانه را که خصوصاً پس از ظهور دین شیعه در ایران برجسته شدند متراکم می‌کند. ابجد عربی از خانواده‌ی سامی نسخ خطی نشأت می‌گیرد.

در کار با ابجد عربی معمولاً سه ارزش عددی (ارزش ابجدی حرف، ترتیب حرف در جدول ابجدی و نظم الفبایی حرف در الفبای عربی) به عنوان ارزش‌های شمارنده به کار می‌روند؛ جالب‌ترین و پیچیده‌ترین نتایج ابجد آن‌هایی هستند که بیشتر از یک ارزش عددی عمل می‌کنند (به عبارتی ارزش ابجد، نظم ابجد و نظم الفبایی هر سه باهم) اما آثار متاخر توسط دانشوران ابجد اهل ایران، هند، افغانستان و کشورهای عربی تمایلی به یک ارزش ابجد یکپارچه موسوم به ابجد کبیر را نشان می‌دهد.

Totn ط	Ha ح	Za ز	Was و	Haa ه	Dal د	Jeeti ج	Bu ب	Alif ا
9	8	7	6	5	4	3	2	1
Sami ص	Fa ف	Ayn ع	Seen س	Noon ن	Meem م	Lamn ل	Kaaf ک	Ya ی
90	80	70	60	50	40	30	20	10
Zoon ظ	Zaad ض	Zai ذ	Kha خ	Sa ث	Ta ت	Sheem ش	Ra ر	Ghaaf ق
900	800	700	600	500	400	300	200	100
								Ghayn غ
								1000

تصویر ۱: جدول ابجد کبیر

جدول ابجد کبیر بر حسب توان ۹ سامان می‌یابد:

سطح ۱.۱ (۱ =) تا ط (۹ =)

سطح ۲.۲ ی (۱۰ =) تا ص (۹۰ =)

سطح ۳.۳ ق (۱۰۰ =) تا ظ (۹۰۰ =)

سطح ۴.۴ غ (۱۰۰۰ =)

ارزش‌های ابجد همه‌ی سطوح بر پیوند بین نظم ابجد و ارزش ابجدی هر حرف در اولین سطح (۱- ۹) مبتنی است، آنجا که ارزش ابجد هر حرف معادل است با نظم ابجدش.

سطح ۱: از ۱ تا ۹. حرف ه را به عنوان مثال در نظر بگیرید: ارزش ابجدی اش کاملاً بر نظم ابجدی اش مبتنی است، به عبارتی ۵=۵.

سطح ۲: از ۱۰ تا ۱۸ (در نظم ابجد). چون سطح تغییر می کند، پس یک تغییر فاز از ارزش عددی ۱ به ارزش عددی ۲ وجود دارد (با استفاده از یک «۰» به عنوان یک جانگه دار). نظم ابجدی حرف ن (زیر حرف ها) ۱۴ است، که می تواند به منزله $1+4=5$ از حیث عددی ساده شود. یک X عددی به XX تبدیل می شود تا به جایگاه حرف ن بر سطح دوم اشاره کند. پس ۵۰ را به جای ۵ داریم: ۵۰ ارزش الفباعدی برای حرف ن است.

سطح ۳: از ۱۹ تا ۲۷ (در نظم ابجد)؛ در سطح سوم XX به XXX تغییر می کند؛ حرف ث زیر حرف ن را در نظر بگیرید؛ نظم ابجدی اش ۲۳ است: $2+3=5=500$ (XXX)

سطح ۴: در این سطح ابجد از توان ۹ منشعب می شود. این سطح را می توان اوج تصاعد الفبایی عددی ابجد در نظر گرفت.

آرایش عددی ابجد به چهار لایه الفباعدی، که سه لایه آن براساس توان ۹ (توان ۹-مبنا) ساخته می شود قویاً با سیاست منحصر به فرد آخرالزمان باوری تطابق دارد، طوری که از نه ایدئولوژی های فرقه ای بلکه از نص صریح قرآن تبعیت می کند، به قول محققان اسلامی یک تبعیت تغییرناپذیر. سه سطح داریم (۱-۹، ۱۰-۹۰، ۱۰۰-۹۰۰) که ساختارشان از حیث عددی هرگز به نتیجه یا قطعیت نمی رسند (آنها هیچ گاه به واحد یا یک تقلیل نمی یابند، کمال ناپذیر و بی نتیجه یا غیرقطعی باقی می ماندند). فقط حرف غ از حیث عددی صفحه ای خاص خودش را به عنوان ۱۰۰۰ (از حیث قبالیی تقلیل پذیر به ۱) حفظ می کند؛ هر چند، یک یا واحد در این جا نسبت به آرایش ۹-مبنای ابجد بیرونی است: در اسلام، امر الهی دائماً در خارج باقی می ماند؛ سرشت امر الهی با بیرونیت رادیکال نسبت به خلق فزاینده اش مشخص می شود، و نه به منزله ای نتیجه یا غایت بلکه به منزله ای بیرونیت فهمیده می شود. این نکته تنها در خدمت تأکید بر کمال ناپذیری و بی نتیجه گی [ناتمامی] ابجد/خلق عمل می کند. امر الهی در امر بیرونی (ورای آستانه ای امکان هستی شناختی) حتی در روز آخرالزمان (قیامت در آخرالزمان اسلامی) درنگ می کند. خدا با جابه جا کردن رادیکالیت ه بیرونیتش و بی نتیجه گی خلقش به صفحه ای دیگر هرگز خود را آشکار نمی کند (مکاشفه).

گرچه خدا منبع یگانه ی وحی به محمد بود اما خود خدا محتوای وحی نبود. وحی در الاهیات اسلامی به این معنا نیست که خدا خود را آشکار می سازد. وحی از طرف خداست، نه نمایان سازی خدا. خدا دور و بعید است. خدا برای دانش انسان درک ناپذیر و مطلقاً حصول ناپذیر است [...] حتی با اینکه ما مخلوقات او هستیم و هر دم به او وابسته ایم، اما در رابطه ی بیناشخصی با او نیست که از او راهنمایی می گیریم.^۱

1 Edmund Perry, *The Gospel in Dispute: The Relation of the Christian Faith to other Missionary Religions* (New York: Doubleday, 1958), p.155

ساختار تک‌خدایانه‌ی مبهم **ابجد** (که تمایلات دینی سیاسی مبهم را می‌پوشاند)، و همدلی‌اش با ناکاملی، کثرت و بی‌نتیجگی که با بیرونی‌تی متعصب و درک‌ناپذیر برای انسان تیره‌وتار شده، **ابجد** را به یک نظام الفباعدی بدل کرده که به مطلوب‌ترین نحوی مستعد ارتدادها یا دین‌گشت‌های مبهم است. هیچ اغراق نیست اگر بگوییم که تاریخ اسلام دائماً با اکتشاف **ابجدی** و تحریف الفباعدی همه‌ی فرم‌های نهادها و متون مذهبی رسمی و مستقر توأم بوده است (دومی یعنی متون تخطی‌ناپذیر و متعاقباً در معرض ایجاد ارتدادهای عمیق بودند). عبدالله بن میمون بنیانگذار طریقت **باطنی** — که بعدتر **اسماعیلی** می‌شود — می‌گوید «هرجا که بتوان **ابجد** را یافت ارتدادی پیشاپیش سربرآورده است».

با فرض این واقعیت که پیکربندی التقاطی نسخ **ابجد** و نیز نمودارهای **ابجد** همواره با التقاط‌باوری محض تدوین‌گران و شارحانش تکمیل می‌شده، کاربرد این دست‌نوشته‌ها در فرهنگ توده‌ای و نظام‌های باور نزد جمعیت‌های مسلمان با فرارفتن از ابزارمندی **باطنی** صرف و نخبه‌گرایی در صف گسترده‌ای از امورات روزمره پراکنده شده‌اند. در دوره‌ی زمانی بین ظهور فرقه‌ی **حروفیه** (که برجسته‌ترین نظریه‌پردازان **ابجد** از آن برخوردارند — قرن نهم) تا سلسله‌ی قاجار (۱۷۸۱-۱۹۲۵) نمودارهای **ابجد** برای مقاصدی از جمله آموزش در مدارس ابتدایی ساخته می‌شدند تا برهم‌کنش بین الفبا، اعداد و ماده‌خام‌های دینی را به شیوه‌ای کارآمد به تصویر کشند (عموماً برای به‌خاطر سپردن قصص دینی، نام‌ها و حتی درس‌های زبان‌شناختی یا ریاضیاتی پایه‌ای)، و نیز برای مقاصدی چون تفسیر قرآن و دیگر نسخ فرقه‌ای یا اسلامی، شفای بیماری‌ها، طلب عشق یا دشمنی، احضار یا استدعای الوهیت‌ها، عمل به‌صورت طلسم‌های گره‌گشا در آزمایش‌های شیمیایی، و الخ.

ماهیت (ارتدادی) چندکارکردی **ابجد** همچنین به آن مجال داد تا به‌طور گسترده‌ای به‌عنوان یک زبان ارتباطی بین اقلیت‌ها (یا درون اقلیت‌ها)^۲ به کار رود، و به‌منزله‌ی ابزاری برای پشتیبانی از نظام‌های باورهای سیاسی غیرآخرتی اسلام از طریق ریاضیات، ستاره‌شناسی و هندسه و از راه پیوند متقابل این زمینه‌ها با زبان‌شناسی، رمزشناسی و علوم غریبه یا **باطنی‌گری**، گستره‌ی وسیعی از علوم رمزی یا دانش‌های ارتدادی را تولید کند. **ابجد** به نمونه‌ای از یک سیستم عددی تبدیل شد که جدا از اینکه یک ماشین عددی کوچگر است فی حد‌ذاته درون دولت عمل می‌کند تا کنش‌های متقابل نابهنجار را در آن به راه بیان‌دازد (در مورد **ابجد** دولت و اعداد دست در دست هم پیش می‌روند).

نمودارهای **ابجد** شاید میان محصولات شناخته‌شده‌تر دانش ارتدادی و التقاط‌باوری مطلق هستند که در نظام‌های **ابجد** می‌یابیم، با این حال این نظام‌ها کاوش‌نشده باقی می‌ماند. نظام‌های **ابجد** از حیث انتقادی تنوع‌های گسترده‌ای از عناصر تک‌خدایانه و غیرتک‌خدایانه را جمع و متراکم می‌کنند، هرچند این نظام‌ها عناصری را برمی‌سازند که پیوندشان با پویایی‌های باورهای اقلیتی سنی یا شیعه را مشخص می‌کند. اول از همه اینکه آن‌ها معمولاً عدد ۷۸۶ را شامل می‌شوند که از حیث الفباعدی معادل است با **بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم**، آیه‌ی آغازی هر سوره در قرآن. این نمودارها اغلب فیگورهای انسان‌وار با بدن‌هایی

۲. در واقع تمام نوشته‌های رمزی در اسلام و ادیان ملهم از اسلام با **ابجد** ساخته و تنها با **ابجد** می‌توانند رمزگشایی شوند.

در وضعیت‌های ملهم از نقشه‌نگاری‌های کفرآمیز زروانی، سومری‌بابلی و زرتشتی یا پیکربندی‌های جمعیت‌شناختی را برمی‌سازند. اکتشافات باستان‌شناختی کیش‌های خاور نزدیک و خاور میانه (خصوصاً از زمان تمدن بین‌النهرینی تا پایان عهد عتیق) آشکار می‌کند که فرم‌های دیوپرستی («دیوها» در مقام آواتارهای خارج فهمیده می‌شدند) عمدتاً با نقشه‌نگاری‌های نابهنجارشان مشخص می‌شوند — نمودارهایی که بدن‌ها و وضعیت‌های دیوها و آرایش اندام‌های ثانوی‌شان را نشان می‌دهند (چهره‌مندی کم‌اهمیت‌ترین جنبه‌ی دیوپرستی شرقی‌ست. اسلام نیز «چهره‌سازی» از شمایل‌ها و شهدای دینی را منع می‌کند):

- دست راست رو به بالا و دست چپ رو به پایین یک نقشه‌نگاری از دیوپرستی بزرگ‌ترین زادگاه باستان‌شناختی‌ست که در دوره‌ی آشوری ظاهر می‌شود، آنجا که دیوهای مربوط به بیماری‌های همه‌گیر و طاعون نشان داده می‌شوند طوری که بر لوح بیماری برنزی (در مجموعه‌ی ام.دی. کلر) دیده می‌شود. یک عدد مهم نمودارهای انسان‌وار ابجد همین نقش‌ونگاری را به آشکارترین شیوه‌نگه می‌دارند (بنگرید به صفحه‌ی ۱۰) درحالی‌که اعداد ابجد را متصل با سپاهی از آدم‌های ملعون و کفرآلود درآمیخته با نام‌ها و اعداد مقدس بر روی بدن‌هایشان نشان می‌دهد.

- از دست‌های کشیده‌شده، یکی رو به شرق و یکی رو به غرب، می‌توان دیوهای خورشیدی را شناسایی کرد (رومیان به نحوی کنایه‌آمیز همین وضعیت نموداری را از بابلیان در تصلیب‌شان وام گرفتند، که برجسته‌ترین آن‌ها پرتره‌های شمایل‌نگارانه‌ی مسیح مصلوب‌اند). (نگاه کنید به صفحه‌ی ۸)

در نمودارهای ابجد، وقتی نوبت به پیشگویی یک فیگور دینی می‌رسد، چهره‌سازی از خلال ساخت چهره، سر، و بدن با استفاده‌ی انحصاری از اعداد و حروف بدون هیچ‌گونه تصویر یا تجسم آشکار به دست می‌آید (بنگرید به صفحه‌ی ۹). در نتیجه، ابجد منع مقدس اسلام درباره‌ی چهره‌سازی را به سمت یک پیچیدگی دیوآسای کفرآلود سوق می‌دهد طوری که اشتیاق لعن‌شده‌ی مشابه‌ای خودش را از هژمونی اکسپرسیونیستی چهره‌سازی جدا می‌کند.

در این نمودارها هر عضو از بدن (از جمله سر) دستور رمزگان‌ها و اعداد انحصاری خاص خود را دارد. معمولاً اغلب بدن محاط می‌شود و شکل تکراری از حرف ه (ارزش ابجد = ۵) می‌گیرد، که نماینده‌ی ۵ فرد از شیعه است: محمد، علی، فاطمه، حسن، حسین (بنگرید به صفحه‌ی ۹).

در علوم خفیه‌ی غربی، نمودارها و مربع‌های جادویی معمولاً با دوایر جادویی و سایر اشکال هندسی احاطه می‌شوند که همواره بسته و متقارن‌اند. وظیفه‌شان همگراکردن توان طلسم روی هدفی مشخص است. اما در نمودارهای ابجد اشکال هندسی باز مانند مثلث‌ها و منحنی‌ها که آزمایش‌های واگرا و بی‌انتها در التقاط‌گرایی را پیش می‌برند جایگزین آن دوایر می‌شوند. در نمودارهای ابجد این منحنی‌ها و اشکال عموماً به‌عنوان سپر محافظ [تعویذ یا بلاگردان] ابجد شناخته می‌شوند. هرچند اغلب کتب ابجد را مولفان شیعه منتشر کرده‌اند و اسامی امامان شیعه را شامل می‌شوند اما با رمزشناسی ابجد عربی سنتی تناظر دارند که در آن نمودارها یا فیگورها با تعویذهای ابجدی که یا با حرف م یا با حرف د پوشیده شده‌اند (یعنی اولین و آخرین حروف نام محمد) محافظت می‌شوند؛ طراحی این تعویذهای ابجد سنتی شامل دو خط

مقاطع است که به زاویه‌ای منفرجه یا حاده شکل می‌دهند که حرف د (ارزش ابجد = ۴) را نمایندگی می‌کند. برخلاف ابجد سنی (بنگرید به صفحه‌ی ۷) در ابجد شیعه این تعویذها تیز و نوک‌دار نیستند و به جای حرف د، به شکل حرف ه هستند - که سیاست تقیه‌ی شیعه را علیه سیاست پیکار در جهاد سنی بیان می‌کند - اما با خطوط منحنی که عناصر خطاطانه‌ی حرف ه را نموداری می‌کنند. این خطوط منحنی معمولاً با تکرار حرف ه (ارزش ابجد = ۵) بر سطح خارجی پوشانده می‌شود، که «پنج تن آل عبا» یا همان محمد، علی، فاطمه، حسن، حسین را که ستون‌های شیعه‌اند نمایندگی می‌کنند. (بنگرید به صفحه‌ی ۱۵).

صفحه ۷: یک طلسم بدخواه برای فراخوانی بیماری یا جایگزینی یک بیماری مهلک با مرضی کمتر خطرناک. کلمه‌ی *الله* دایره‌ی گشوده‌ی بیرونی را شکل می‌دهد، پیکان هدف‌گیری در حرف د (که با دایره‌ی بیرونی نیرو گرفته و قدرت محمد پیامبر را نمایندگی می‌کند) می‌تواند از قدرت گشاینده و هدایت‌گر مربع ابجد (که با نام شمرده‌شده‌ی یک بیماری ساخته می‌شود) در هیأت نیشی به سمت یک شخص عمل کند.

صفحه‌ی ۹: معادل‌های ابجد و عربی کلمه‌ی «نه» یا «انسداد» چهره‌ی این فیگور ابجدی را می‌سازد، او را لال، کور و کر یا، از حیث نمادین، به‌سادگی کنترل‌پذیر می‌کند. در مرکز این نمودار ابجد یک مربع ابجد است که به جای قلب نشسته است. تقارن اعداد و برخی کلمات (کلمه‌ی *الساعة* و نام *علی*) این طلسم را بین نیت‌های مثبت و منفی به نوسان درمی‌آورد. این طلسم باید بر چهار تکه آلیاژ (آمیزه‌ی حواس) منقوش شود، در خاک دفن و در آتش نهاده شود، در معرض باد نهاده و در آب انداخته شود تا کسی را به تسخیر عشقی ناخواسته درآورد.

صفحه‌ی ۱۲: یک نمودار ابجدی برای به‌یاد سپردن اسماء (مشخصات یگانه) *الله* در شکلی تأملی.

سُلَيْمَانُ بْنُ
دَاوُدَ عَلَيْهِ
السَّلَامُ

عَجَبًا بِدُرُوحِ

سوره سوره ۱۱
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
عز وود الله
۲۳۳۷۶

م	ی	ر	م
م	د	د	م
ی	ح	م	ی
۲	م	ح	ی

۱	۴	۶
۷	۵	۱
۸	۲	۶

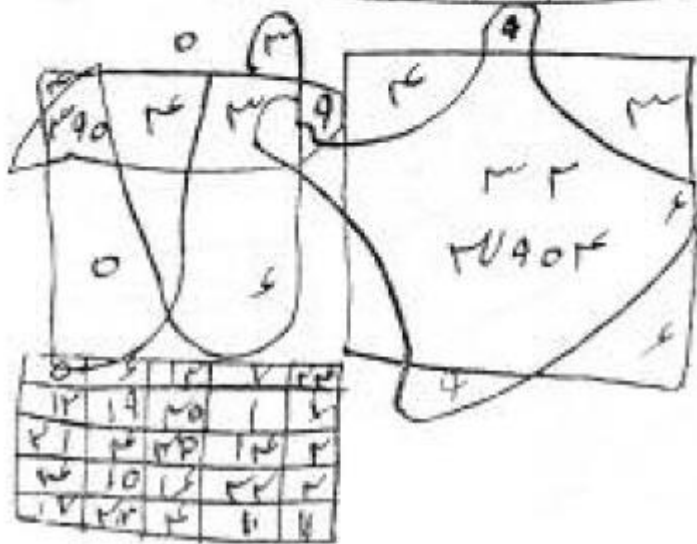
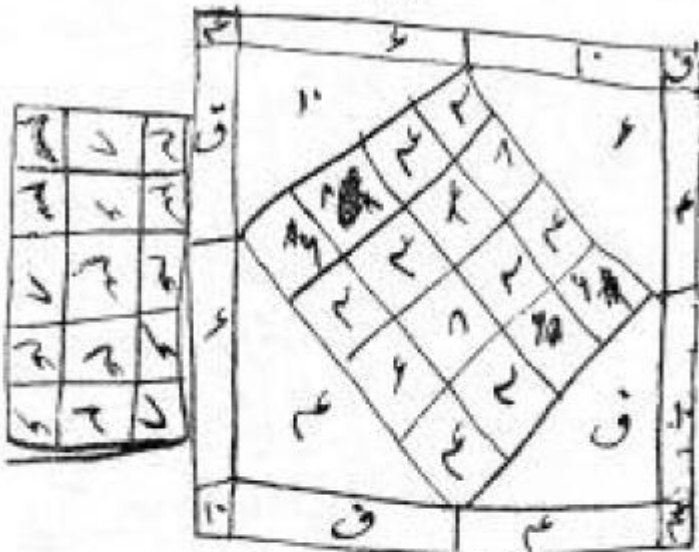
یا جبرئیل یا میکائیل
یا عزرا یا اسرافیل
یا تکفیل یا قیفایل
بمجرد روشن شدن
این علامت سلیمان
بن داود
حاضر شود

تکبیر سوره سوره ۱۱
عز وود الله
۲۳۳۷۶

حسب الفهم و تفسیر

ابلیس بلبل زعمون قارون همان سیصه

۲۴۶



قد اكتفاشدهو العالم مرتج انيت

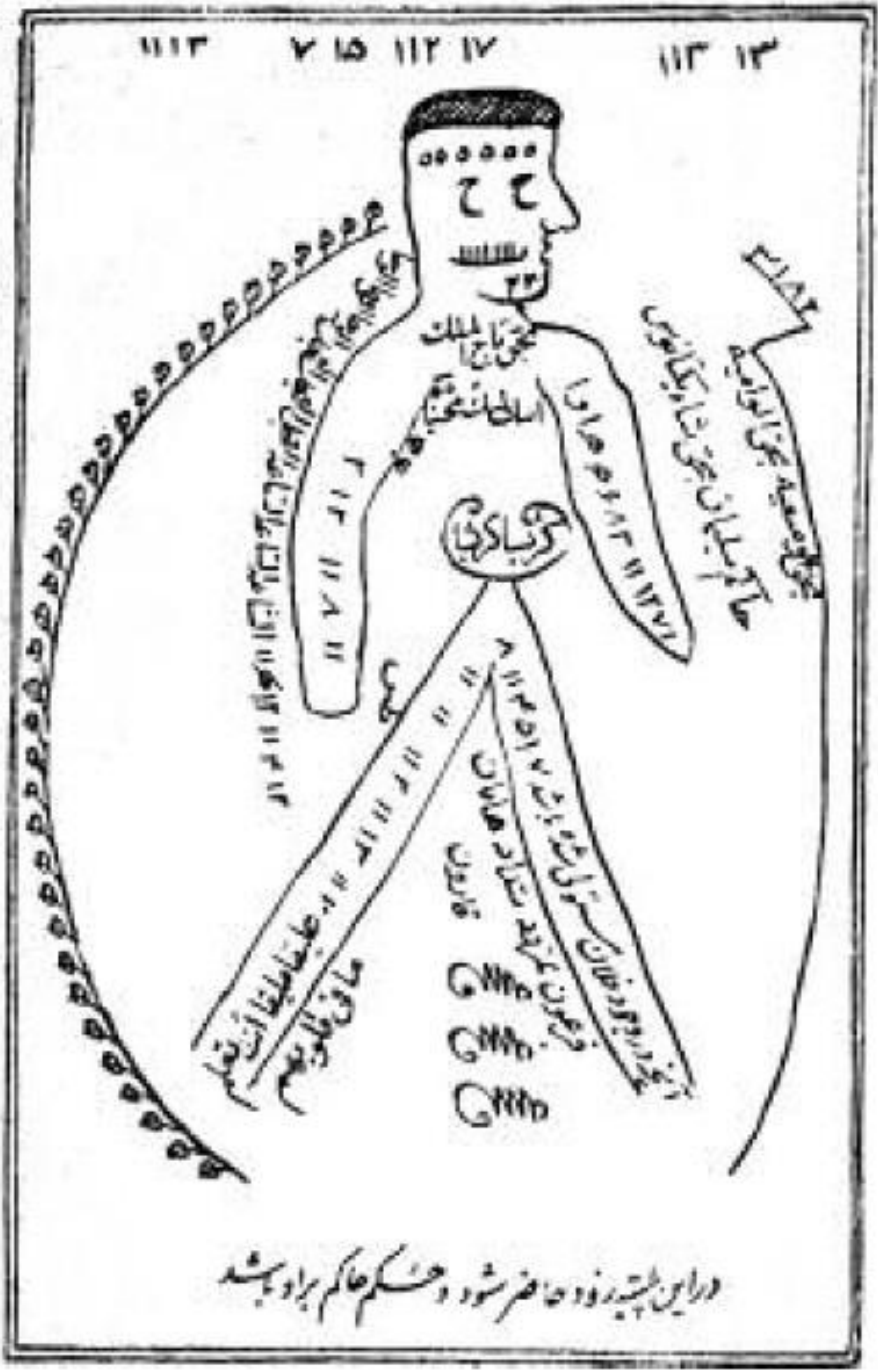
المر	المر	المر	المر
مبارط	مبارط	مبارط	مبارط
مبارط	مبارط	مبارط	مبارط
مبارط	مبارط	مبارط	مبارط

١٩٥٦	١٩٥٧	١٩٥٨	١٩٥٩
١٩٦٠	١٩٦١	١٩٦٢	١٩٦٣
١٩٦٤	١٩٦٥	١٩٦٦	١٩٦٧
١٩٦٨	١٩٦٩	١٩٧٠	١٩٧١

١٩٥٦	١٩٥٧	١٩٥٨	١٩٥٩
١٩٦٠	١٩٦١	١٩٦٢	١٩٦٣
١٩٦٤	١٩٦٥	١٩٦٦	١٩٦٧
١٩٦٨	١٩٦٩	١٩٧٠	١٩٧١

بمق فاته خير حافظا وهو ارحم الراحمين هذا الشكل

١٩٥٦	١٩٥٧	١٩٥٨	١٩٥٩
١٩٦٠	١٩٦١	١٩٦٢	١٩٦٣
١٩٦٤	١٩٦٥	١٩٦٦	١٩٦٧
١٩٦٨	١٩٦٩	١٩٧٠	١٩٧١



Source: 'Incognitum', "Introduction to ABJAD," in Collapse I, *Numerical Materialism*, ed. Robin Mackay (Urbanomic, September 2007), pp.189-210